

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# دستیار دادگاه حقوقی

## جلد دوم: دادخواست

دکتر سید عطا قیصری (رئیس شعبه ۴۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران)

مجید عطایی جنتی (قاضی دادگستری)

محبوبه خدیوی (قاضی دادگستری)

نشر حقوق پویا

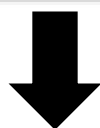
مواردی که قاضی دادگاه در راستای ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی باید احراز نماید.

| ردیف | موارد  | کامل | ناقص | توضیحات |
|------|--|------|------|---------|
| ۱    | نام، نام خانوادگی، نام پدر، اقامتگاه و شغل خواهان  |      |      |         |
| ۲    | نام، نام خانوادگی، اقامتگاه و شغل خوانده   |      |      |         |
| ۳    | تعیین خواسته و بهای آن از نظر مالی و یا غیر مالی بودن  |      |      |         |
| ۴    | تعهدات و جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق مطالبه می داند  |      |      |         |
| ۵    | درخواست خواهان از دادگاه   |      |      |         |
| ۶    | دلایل و اسناد و اطلاع مطلعین و غیره، ذکر دلایل و مستندات   |      |      |         |
| ۷    | امضا با اثر انگشت یا امضا و مهر دادخواست دهنده   |      |      |         |
| ۸    | تصریح عنوان قیم یا متولی یا وصی یا مدیریت شرکت و امثال آن در دادخواست  |      |      |         |
| ۹    | دلیل سمت وصی یا قیم یا متولی و مدیریت شخص حقوقی و امثال آن   |      |      |         |
| ۱۰   | تعداد نسخ دادخواست   |      |      |         |
| ۱۱   | اسامی و مشخصات و محل اقامتگاه گواه / گواهان  |      |      |         |
| ۱۲   | ارایه سمت ولی یا قیم در صورت صغر و یا حجر دادخواست دهنده   |      |      |         |
| ۱۳   | تعداد نسخ اسناد و مدارک مورد استناد  |      |      |         |
| ۱۴   | نام و نام خانوادگی و شماره و تاریخ و کالتنامه و کیل دادخواست دهنده   |      |      |         |
| ۱۵   | پرداخت هزینه دادرسی  |      |      |         |
| ۱۶   | الصاق تمبر برابر قانون تادیه دادرسی و مالیات وکیل (پرداخت هزینه اوراق و مالیات حق الوکاله هزینه کانون و سهم صندوق) |      |      |         |
| ۱۷   | برابر اصل شدن تصویر یا رونوشت اسناد و مدارک غیرفارسی (گواهی با اصل کلیه اسناد)                                     |      |      |         |
| ۱۸   | پرداخت هزینه انتشار آگهی   |      |      |         |
| ۱۹   | پیوست شدن ترجمه رسمی و گواهی شده اسناد و مدارک غیرفارسی  |      |      |         |

### ۱- نام ، نام خانوادگی ، نام پدر ، سن ، اقامتگاه و حتی الامکان شغل خواهان

در بند یک ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است که "نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، اقامتگاه و حتی الامکان شغل خواهان" باید در دادخواست قید شود. حال اگر مقام قضایی متوجه شد که در دادخواست چنین مطلبی رعایت نشده است در این خصوص در مورد خواهان و محل اقامت او در ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی تعیین تکلیف گردیده است، در بقیه موارد مندرج در بند یک رویه عملی بر این است که با توجه به مفاد ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی ایرادی گرفته نمی شود و از موارد نقص محسوب نمی گردد.

متن دستور به دفتر در خصوص معین نبودن محل اقامت خواهان



دفتر : نظر به اینکه دادخواست تقدیمی آقای ..... به طرفیت ..... به خواسته .....  
به جهت اینکه خواهان / محل اقامت خواهان معلوم نمی باشد لذا طبق ماده ۵۶ قانون  
آیین دادرسی مدنی اقدام گردد.

## نکات بحث

✍ از آنجا که به موجب بند خ ماده ۱۳۹۵ کارشناسان یا ضابطان قضائی جهت مدیریت و اجرای انواع خدمات قضائی از قبیل طرح شکایت یا دعوا، اعلام جرم، ارسال لوایح، ابلاغ اخطاریه و احضاریه برای کلیه افراد و مراجعین به دستگاه قضایی پس از ثبت نام در سامانه الکترونیکی ثنا موضوع بند د ماده ۱ یک حساب کاربری تعریف می گردد که : عبارت است از یک نشانی الکترونیکی که به هر یک از مراجعان به قوه قضائیه به منظور دسترسی به سامانه ابلاغ اختصاص یافته است. این نشانی معمولاً یک شناسه کاربری و گذرواژه است. لذا عملاً در حال حاضر دادخواستی با عدم ذکر مشخصات و اقامتگاه خواهان در محاکم قضایی، یافت نخواهد شد و در واقع منتفی است.

### ۱- پرسش

تبصره ۲ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر داشته که چنانچه خواهان یا خوانده شخص حقوقی باشد در دادخواست نام و اقامتگاه شخص حقوقی نوشته خواهد شد. هرگاه خواهان دعوایی علیه شخص حقوقی داشته باشد لیکن در ستون نام خوانده نام سرپرست یا مدیر شخصیت حقوقی را قید کرده باشد آیا مورد از موارد نقص دادخواست است؟

نظر هیات عالی:

اگر خواهان در ستون خوانده نام شخص حقیقی را بدون قید سمت آورده باشد ولی در

شرح دادخواست مشخص باشد که طرف دعوا شخص حقوقی است با توجه به اینکه مدیر یا سرپرست شخص حقوقی قابل تغییر است دادگاه به استناد تبصره ۲ ماده ۵۱ و ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی جهات رفع نقص را قید کرده و پرونده را به دفتر اعاده می‌کند و صدور قرار رد دعوا بر اساس ذیل ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی و به استناد بند ۴ و ۵ ماده ۸۴ فاقد وجاهت قانونی است .

#### نظر اکثریت:

اگر در متن دادخواست دعوایی از طرف شخصیت حقوقی یا علیه شخص حقوقی اقامه شده لیکن در ستون نام خواهان یا خوانده نام شخص حقوقی (مدیر یا رئیس اداره یا مؤسسه یا شرکت) نوشته شده باشد دادگاه مکلف است وفق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی پرونده را به دفتر اعاده کند تا دادخواست را کامل کند. پس از رفع نقص و اعلام مشخصات صحیح و اقامتگاه شخص حقوقی به جریان افتادن پرونده بلامانع است. در این صورت دادگاه نمی‌تواند به استناد ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوا صادر نماید زیرا دعوا ماهیتاً علیه شخص حقوقی یا از طرف شخص حقوقی اقامه شده است. در مورد بندهای (۴) و (۵) ماده ۸۴ در صورتی است که دعوا در متن دادخواست نیز ماهیتاً علیه شخص دیگری یا از طرف غیر ذینفع اقامه شده باشد. موارد نقص دادخواست منحصر به ماده ۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی نیست بلکه این ماده در بیان وظایف مدیر دفتر دادگاه است. بدیهی است که چنانچه دادگاه نیز نقایص دیگری در دادخواست مشاهده کند مثل اینکه دادخواست امضا نشده باشد باید وفق ماده ۶۶ به دفتر دستور رفع نقص در موارد خاص را صادر نماید .

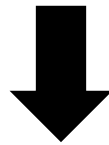
#### نظر اقلیت:

موارد نقص دادخواست در ماده ۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی تصریح شده است. دفتر نمی‌تواند خارج از موارد مصرح قانونی مبادرت به صدور اخطار رفع نقص کند. بنابراین

### ۳- تعیین خواسته و بهای آن از نظر مالی یا غیر مالی بودن

در صورتی که قاضی شعبه با ملاحظه پرونده متوجه شد که خواهان خواسته یا تعیین بها را طبق مقررات مشخص ننموده و مدیر دفتر نیز به موضوع توجه نکرده است به شرح ذیل دستور صادر می کند.

متن دستور به دفتر در خصوص معین نبودن  
خواسته یا بهای آن



دفتر : نظر به اینکه دادخواست تقدیمی آقای ..... به طرفیت ..... به خواسته .....  
به جهت اینکه دادخواست از جهت تعیین خواسته / تقویم خواسته ناقص است لذا طبق  
ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی اقدام گردد.

دفتر به شرح زیر مبادرت به صدور اخطاریه می نماید:

|  |                      |                   |
|--|----------------------|-------------------|
| نام : .....  | نام خانوادگی : ..... | شماره ملی : ..... |
| نوع ابلاغیه: ابلاغ اخطاریه رفع نقص   |                      |                   |
| مهلت رفع نقص: ۱۰ روز   |                      |                   |
| متن ابلاغیه:   |                      |                   |
| اخطار شونده محترم:   |                      |                   |
| <p>نظر به آنکه دادخواست تقدیمی شما ..... به طرفیت ..... به خواسته ..... به جهت ذیل ناقص می باشد لذا مقتضی است ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نقص با مراجعه به یکی از دفاتر خدمات الکترونیک قضایی اقدام نمایید. در غیر این صورت برابر مقررات قانونی قرار رد دادخواست شما صادر خواهد شد.</p>   |                      |                   |
| مورد نقص: عدم تعیین بهای خواسته / عدم تعیین خواسته   |                      |                   |
| <p>نظر به اینکه خواسته شما در دادخواست تقدیمی مطالبه خسارت تاخیر تادیه می باشد لیکن ابتدای تاریخ مطالبه را مشخص ننمودید لذا مقتضی است نسبت به اعلام تاریخ مورد نظر اقدام نمایید چرا که حسب ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی اگر خواسته پول رایج ایران باشد بهای آن عبارتست از مبلغ مورد مطالبه و در مانحن فیه بهای خواسته شما در صورت اعلام تاریخ سررسید مشخص خواهد بود. در غیر این صورت برابر مقررات قانونی قرار رد دادخواست شما صادر خواهد شد.</p> |                      |                   |
| نام صادر کننده:  | سمت صادرکننده:       | امضا:             |
| مورد نقص: عدم تعیین دقیق بهای خواسته   |                      |                   |

در صورتی که دفتر نسبت به اخطار رفع نقص مبنی بر تعیین خواسته/ بهای آن اقدام و خواهان در این خصوص در موعد مقرر اقدامی ننمود دفتر به شرح زیر مبادرت به صدور قرار می نماید:

### « قرار دفتر »

در خصوص دادخواست آقای ..... به طرفیت آقای ..... به خواسته صدور حکم به ..... ، نظر به اینکه پرونده از جهت تعیین خواسته/ بهای آن ناقص بوده و علیرغم ابلاغ اخطاریه رفع نقص که در تاریخ ..... به خواهان ابلاغ شده است لیکن مشارالیه ظرف مهلت قانونی مبادرت به تکمیل دادخواست نکرده است. بنابراین به استناد بند ۳ ماده ۵۱ بند ۲ ماده ۵۳ و ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار رد دادخواست خواهان را صادر و اعلام می نماید. این قرار ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ به خواهان قابل شکایت در همین دادگاه می باشد.



در این خصوص به شرح زیر به صورت تفصیلی به مباحث پرداخته می شود:

## جهات لزوم تعیین خواسته

۱- در خصوص تعیین مرجع صالح: در دعاوی مالی راجع به اموال منقول و مطالبه وجه با توجه به تعیین حد نصاب صلاحیت رسیدگی قاضی شورای حل اختلاف در بند الف ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف برای تشخیص مرجع صالح رسیدگی به موضوع (قاضی شورای حل اختلاف یا دادگاه عمومی حقوقی) در این نوع از دعاوی تعیین ارزش خواسته موثر است.

۲- از جهت تعیین هزینه دادرسی: در مواردی که خواسته مالی است، خواهان مکلف است مطابق موازین ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی آن را تقویم نماید تا بر اساس بهای آن هزینه دادرسی معین گردد و هزینه دادرسی بر اساس تعرفه‌ای است که وزارت دادگستری آن را تعیین می‌کند.

۳- از حیث حد رسیدگی و تصمیم دادگاه: الزاماً بایستی در صدور حکم حد خواسته را در نظر قرار دهند و نباید از مقدار خواسته تجاوز نمایند و همانطوری که می‌دانیم تجاوز از حد خواسته برای دادرسی تخلف و برای محکوم علیه مبنای اعاده دادرسی می‌باشد.

۴- از حیث امکان تجدیدنظر خواهی: در ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی یکی از مواردی که خواسته مؤثر در روال دادرسی بوده را امکان تجدید نظر خواهی عنوان نموده است، ممکن است که خواسته ذکر شده به عنوان مثال وجه رایجی باشد و همان مقدار مناط حکم قرار گیرد که در این صورت مازاد بر سه میلیون ریال قابل تجدید نظر خواهی نیست.

بنابراین تقویم خواسته به چند جهت لازم است: از جمله معیاری برای هزینه دادرسی، صلاحیت مراجع قانونی و قابلیت تجدیدنظر یا فرجام خواهی است. هر خواسته مالی و حتی خواسته‌هایی مانند مطالبه اجرت المثل نیز لازم است تقویم شود زیرا آنچه در بند ۱۴ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مذکور است مربوط به یکی از ابعاد تقویم خواسته می‌باشد که همان اخذ هزینه دادرسی است اما در مورد سایر جهات، نباید تقویم را نادیده گرفت. به عبارت دیگر تقویم خواسته از این حیث که هزینه دادرسی وصول شود با تصریح بند ۱۴ ماده مذکور حکم خاصی دارد اما از سایر جهات مانند صلاحیت یا

قابلیت تجدیدنظر دلیلی بر معاف بودن خواسته از تقویم وجود ندارد و خواهان باید از این جهات نیز خواسته را روشن نماید و تقویم کند. این مساله به ویژه از این حیث لازم است که اگر دادخواست بدون تقویم ارائه شود، معلوم نیست به شورای حل اختلاف مربوط می شود یا دادگاه؛ و نیز اگر قبل از رسیدن به مرحله کارشناسی و تعیین دقیق خواسته مسترد شود آیا قرار قابل تجدیدنظر می باشد یا خیر؟ ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی نیز با بیان: «بهای خواسته از نظر هزینه دادرسی و امکان تجدیدنظرخواهی همان مبلغی است که در دادخواست قید شده است، مگر اینکه قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد»، به برخی از جهات تقویم خواسته اشاره نموده و آنچه در بند ۱۴ قانون فوق الذکر نیز آمده تنها از حیث اخذ هزینه دادرسی است اما از جهت قابلیت تجدیدنظر و صلاحیت، حکمی را به میان نیاورده و بنابراین قاعده اولیه که همان لزوم تقویم از سایر جهات است باید اعمال شود. (حقوق دعاوی، قواعد عمومی دعاوی، دکتر عبدالله خدابخشی - تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم ۱۳۹۳، صفحات ۹۷ و ۹۸)

### تعیین بهای خواسته در چند مورد لازم نیست



- الف) تعیین بهای خواسته در زمان تقدیم دادخواست ممکن نباشد. ( بند ۱۴ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳)
- ب) خواسته مطالبه مبلغ مشخصی از وجه رایج کشور باشد، یا اگر پول خارجی باشد، ارزیابی آن به نرخ رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ تقدیم دادخواست بهای خواسته محسوب می شود.
- ج) خواسته از جمله دعاوی غیر مالی باشد.

## الف - تعیین بهای خواسته در زمان تقدیم دادخواست ممکن نباشد.

در این زمینه به نظریات حقوقدان ها، نشست های قضایی و نظریات مشورتی اشاره می شود:

### نظریات حقوقدان ها

در دعاوی مالی چنانچه قیمت خواسته در موقع تقدیم دادخواست مشخص نباشد مبلغ دوهزار ریال تمبر، علی الحساب باید الصاق و ابطال شود و بقیه هزینه دادرسی بعد از تعیین خواسته و صدور حکم دریافت خواهد شد و دادگاه مکلف است قیمت خواسته را پیش از صدور حکم مشخص نماید. با توجه به همین مبلغ قابلیت شکایت رای تعیین می شود. در حقیقت قیمت خواسته به ترتیبی که در حکم دادگاه تعیین می گردد ملاک قابلیت تجدیدنظر و عندالاقضا فرجام حکم صادره خواهد بود. اگر خواهان در دعوا محکوم به بی حقی گردد و یا قرار قاطع علیه وی صادر شود، چون تعیین قیمت خواسته علی الاصول مورد پیدا نمی کند باید پذیرفت که قیمت خواسته با لحاظ هزینه دادرسی پرداخت شده باید محاسبه شود. بنابراین براساس ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی در حال حاضر چنین رای قابل تجدیدنظر و فرجام نخواهد بود. بنابراین خواهان باید هزینه دادرسی را به میزانی پرداخت کند که رای قابل تجدیدنظر باشد. (آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، دکتر عبدالله شمس، تهران انتشارات دراک، چاپ نهم ۱۳۸۴، صفحه ۴۱)

## نشست های قضایی

### ۱- پرسش

با عنایت به نص تبصره ۱۴ ماده ۳ قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین با التفات به نظریه شماره ۵۹/۷/۷ مورخ ۱۳۹۷/۰۱/۲۲ اداره کل حقوقی قوه قضائیه در صورت استتکاف خواهان از پرداخت هزینه کارشناسی برای تعیین ارزش خواسته در پرونده ای که حکم به بی حقی او صادر شده؛ تکلیف دادگاه بدوی چیست؟

### نظر هیئت عالی:

مطابق بند ۳ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، تعیین خواسته و بهای آن از وظایف خواهان می باشد، در صورتی که تعیین بهای خواسته در زمان تقدیم دادخواست ممکن نباشد، طبق بند ۱۴ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب سال ۷۳ با انجام کارشناسی میزان خواسته مشخص می شود و دادگاه بدوی مکلف است قبل از صدور رأی، میزان ارزش خواسته را تعیین نماید، در صورتی که قبل از صدور حکم، خواهان نسبت به پرداخت هزینه دادرسی بر مبنای بهای خواسته اقدام ننموده باشد، دادگاه در حکم اصداری خواهان را مکلف به پرداخت باقیمانده هزینه دادرسی می نماید؛ به طوری که صدور اجراییه منوط به پرداخت الباقی هزینه دادرسی می گردد؛ بنابراین در فرض سوال ابتدا باید میزان خواسته مشخص و بر آن اساس هزینه دادرسی پرداخت شده و سپس هزینه مرحله تجدیدنظرخواهی بر مبنای هزینه دادرسی دعوای بدوی با اعمال ضریب درصد محاسبه و پرداخت شود.

### نظر اکثریت:

با توجه به اینکه بر اساس بند ۳ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در

امور مدنی، تعیین خواسته و بهای آن از وظایف خواهان است و در مواردی که تعیین بهای زمان تقدیم دادخواست نیز ممکن نیست خواهان مکلف است طبق بند ۱۴ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین نسبت به پرداخت مبلغ معین هزینه دادرسی اقدام و قبل از صدور حکم نیز با تعیین میزان خواسته ما به التفات پرداخت گردد لذا جهت انجام تجدیدنظرخواهی لزوماً باید میزان خواسته و یا محکوم به با انجام کارشناسی مشخص شود و سپس بر همان مبنا هزینه دادرسی پرداخت و تجدیدنظرخواهی صورت گیرد والا بر اساس تبصره ۲ ماده ۳۳۹ قانون فوق الذکر قرار رد تجدیدنظرخواهی صادر خواهد شد. ضمناً نظریه مشورتی شماره ۷/۹۷/۵۹ مورخ ۲۲/۰۱/۱۳۹۷ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز مؤید همین معناست.

#### نظر اقلیت:

چون از فحوی مقررات بند ۱۴ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت چنین استنباط می گردد که تعیین میزان واقعی خواسته و الزام به پرداخت هزینه کامل دادرسی منوط به صدور حکم به محکومیت است و در فرض صدور حکم به بی حقی تعیین کارشناسی و برآورد میزان و مبلغ هزینه دادرسی مطابق روح قانون نیست لذا در فرض تجدیدنظرخواهی، هزینه دادرسی همانند دادخواست اولیه اخذ می گردد.

(نشست قضایی استان یزد، شهر یزد، مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۴)

#### ۲- پرسش

به موجب بند (۴) ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی در دعاوی راجع به اموال، بهای خواسته مبلغی است که خواهان در دادخواست معین کرده و مورد ایراد خواننده قرار نگرفته است. در دعاوی مطالبه عین یا قیمت اموالی که از نوع مثلی است و بهای آن در بازار معاملات مشخص است از قبیل سکه‌های طلا چنانچه خواهان مبلغ خواسته را کمتر

## ۸- تصریح عنوان قیم یا متولی یا وصی یا مدیریت شرکت و امثال آن در دادخواست


مطابق ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی مدنی اگر هر یک از طرفین دعوا با عنوان قیم، متولی، وصی فرد دیگر یا مدیر شرکت طرف دعوا به عنوان خواهان یا خوانده قرار گیرد این سمت باید در دادخواست قید شود و اگر این عنوان تصریح نشود، اصیل تلقی می گردد. در صورتی که خواهان یا خوانده شرکت باشد، در دادخواست باید نام شرکت به عنوان خواهان یا خوانده قید شود و نه نام مدیرعامل چرا که اگر نام مدیرعامل در دادخواست قید شود، با زوال سمت او در شرکت امکان دعوت وی وجود نخواهد داشت. (آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، دکتر علی عباس حیاتی، نشر میزان، چاپ هفتم، زمستان ۱۳۹۹، صفحه ۱۱۷)

در صورتی که ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی مدنی رعایت نشده باشد برخی قایل به صدور قرار عدم استماع هستند که به یک نمونه از این قرار به شرح ذیل اشاره می شود:

### رای دادگاه

در مورد دعوای خانم ..... با وکالت ..... به طرفیت آقای ..... به خواسته تعدیل نفقه که خواهان در ایضاح خواسته بیان نموده خوانده آقای ..... (همسر سابق) که با توجه به صدور حکم طلاق که حضانت فرزندمان بنام ..... بر عهده اینجانب می باشد و خوانده بابت نفقه ماهی ۱۸۰ هزار تومان پرداخت می نماید که با توجه به شرایط سنی دخترم که متولد ۸۹ و در مقطع ابتدایی در سال چهارم دبستان تحصیل می کند نیاز به هزینه های تحصیلی و تغذیه و البسه در این شرایط سنی دارد و مبلغ تعیین شده در حکم ضمیمه کفایت سن و سال و هزینه های فرزندم را ندارد لذا طی این دادخواست در مقام دعوی برآمده و با تقدیم این دادخواست تقاضای رسیدگی و نهایتاً صدور حکم به افزایش نفقه با در نظر گرفتن نیازهای فرزند و با توجه به نگرانی روزافزون بازار و تورم و افزایش کالاهای مورد نظر را با جلب نظر کارشناس به انضمام خسارات دادرسی را خواستارم. دادگاه با تعیین وقت و دعوت زوجین، با تشکیل جلسه دادرسی در تاریخ ..... خوانده بیان نمود فرزندم ۹ سال سن دارد و زیر ۱۸ سال سن دارد و وکیل خواهان نیز اظهارات خوانده را تایید نمود دادگاه با عنایت به جمیع اوراق و محتویات پرونده نظر به اینکه چون فرزند

مشترک زیر ۱۸ سال سن دارد و خواهان می بایست در ستون خواسته نام فرزند مشترک را قید نماید و سپس سمت خود را در دادخواست ذکر کند چرا که به استناد ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی مدنی در صورتی که هر یک از اصحاب دعوی عنوان قیم، متولی و ... را داشته باشد در دادخواست باید تصریح شود در حالی که در پرونده مانحن فیه چنین مطلبی رعایت نگردیده است و از طرفی مورد از موارد صدور اخطار رفع نقص به شرح مذکور در ماده ۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی نمی باشد بنابراین دعوی مطروحه مطابق قانون مطرح نگردیده و در شرایط کنونی قابلیت استماع ندارد و این مرجع مستندا به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوی صادر و اعلام می نماید. رای صادره حضوری و ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان... می باشد.

نکته: 

هرگاه خواننده محجور یا ورشکسته باشد باید ولی یا نماینده قانونی یا قائم مقام ورشکسته را به دلالت ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی مدنی با تصریح به سمت آنها در ستون خواننده با ذکر کلیه مشخصاتی که در مورد خواننده الزامی است.

## نکات بحث

### پرسش

چنانچه در دادخواست تقدیمی از جانب قیم، نام مولی علیه به عنوان خواهان قید نشده باشد لیکن در متن دادخواست کاملاً معلوم شود که طرح دعوا توسط قیم از جانب مولی علیه و با ذکر نام است آیا صدور قرار رد دعوا به لحاظ فوق جایز است یا خیر؟

### نظر هیئت عالی:

با توجه به اینکه صغیر حق تصرف در مال خود را ندارد قیم از جانب ولی حق دخالت در امور وی را داشته و لدی الاقتضا می‌تواند به ولایت از مولی علیه خود به مراجع قضایی مراجعه و طرح دعوا کند. هرچند احوط در این است که در دادخواست تقدیمی در ستون خواسته و متن دادخواست بنویسد «به ولایت از طرف مولی علیه خود آقا یا خانم... به عرض می‌رساند» لیکن اگر چنین نکرده باشد این اندازه اهمال قابل مسامحه است و از مواردی نیست که دادگاه به همین جهت قرار رد دعوا را صادر نماید.

### نظر اتفاقی:

با توجه به متن دادخواست، صدور قرار رد دعوا موضوعیت ندارد و دادگاه مکلف به رسیدگی است. با توجه به طرح دادخواست در دادگاه رعایت مفاد ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی الزامی است.

(نشست قضایی استان لرستان، مورخ ۱۳۸۳/۰۶/۰۶)



## ۱۴- پرداخت هزینه دادرسی و الصاق تمبر به دادخواست و پیوست‌های آن

به دلالت مواد ۵۰۲ و ۵۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی هزینه دادرسی عبارتست از مبالغی که به عنوان ارزش اوراق و هزینه برگ‌هایی که به دادگاه تقدیم می‌شود و نیز هزینه رسیدگی و دادرسی در مورد دعاوی به اعتبار موضوع مالی یا غیرمالی بودن آنها و قرارهایی که درخواست صدور آنها از دادگاه به عمل می‌آید و به موجب قانون تعیین شده باید توسط خواهان پرداخت شود.

نقص موضوع بند ۱ ماده ۵۳ شامل دو موضوع است نخست هزینه دادرسی مطابق تعریفی که مواد ۵۰۲ و ۵۰۳ مقرر شده است دوم تمبر مربوط به اوراقی که به دادخواست منضم شده است مانند مالیات حق الوکاله وکیل + معادل نصف آن بعنوان سهم صندوق تعاون وکلاء + نصف مبلغ اخیر بعنوان هزینه کانون و مرکز (هزینه مرکز وکلا و مشاوران قوه قضائیه ۵ درصد حق الوکاله است)<sup>۲</sup>، هزینه تصدیق اوراق توسط دفتر دادگاه و بهاء برگ دادخواست.

مقام قضایی در صورتی که به دادخواست و پیوست‌های آن برابر قانون تمبر الصاق نشده باشد یا هزینه یاد شده تادیه نشده و دفتر دادگاه به تکلیف خود عمل نکرده باشد، در راستای ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی پرونده را به دفتر اعاده تا نسبت به ابطال تمبر و پرداخت هزینه دادرسی وفق مقررات (ماده ۵۴) اقدام گردد. ابتدائاً به شرح ذیل به هزینه‌های یاد شده در قالب جدول اشاره می‌شود:

---

۲- مستند قانونی ۱- قانون تشکیل صندوق تعاون وکلاء و تأمین هزینه‌های کانون وکلاء دادگستری مصوب ۱۳۵۰.۳.۳۱ ماده ۲ - وکلاء دادگستری و کارگشایان مکلفند معادل نصف آن چه که بابت مالیات طبق ماده (۷۲) قانون مالیات بر درآمد وکلاء دادگستری، تمبر به وکالتنامه الصاق می‌نمایند و همچنین معادل نصف مالیات وجوهی که به عنوان حق‌المشاوره و وکالت به طور مقطوع دریافت می‌دارند به صندوق وکلای دادگستری پرداخت نمایند.

ماده ۳ - وکلای دادگستری و کارگشایان مرکز و استانها باید هرساله مبلغی به عنوان حق عضویت به کانون وکلای دادگستری حوزه خود بپردازند.

ماده ۴ - هر یک از وکلاء دادگستری و کارگشایان باید هنگام پرداخت حق تعاون مذکور در ماده ۲ این قانون مبلغی هم معادل نصف آن پرداخت نمایند. و جوه حاصل از اجرای این ماده و ماده ۳ به مصرف تأمین هزینه‌های کانون وکلاء دادگستری مربوط خواهد رسید.

ماده ۵ - کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداریها و بانکها و شرکتهای وابسته به آنها مکلفند موقع کسر مالیات و ابطال تمبر مالیاتی وجوه مندرج در مواد ۲ و ۴ را وصول کنند و هر ماه به کانون وکلاء حوزه مربوط ارسال دارند.

۲- ماده ۲۹ آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله- وکلای دادگستری عضو کانونهای وکلا مکلفند معادل پنجاه درصد آن چه بابت مالیات طبق قانون مالیات ها تمبر به وکالتنامه الصاق می‌کنند، برای صندوق و یک چهارم تمبر را بابت هزینه کانون و وکلای دادگستری عضو مرکز مکلفند پنج درصد حق الوکاله بابت هزینه مرکز به امور مالی دادگستری پرداخت کنند. دادگستری مکلف است سهم صندوق و سهم کانون و سهم مرکز را از تمام وکلای کانون و مرکز در هر مورد قبول و در آخر هر ماه حسب مورد به کانون وکلای دادگستری مربوط و یا مرکز پرداخت کند.

## جدول هزینه های دادرسی

| نرخ تعرفه  | عنوان  |
|--|--|
| ۲۰.۰۰۰ ریال  | بهای اوراق دادخواست و اظهارنامه و برگ اجرائیه دادگاه‌ها و هیأت‌های حل اختلاف موضوع قانون کار برای هر برگ |
| ۲/۵٪ ارزش خواسته   | هزینه دادرسی دعاوی مالی در مرحله بدوی تا مبلغ ۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال   |
| ۳/۵٪ ارزش خواسته   | هزینه دادرسی دعاوی مالی در مرحله بدوی بیش از ۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال  |
| ۴/۵٪ محکوم به  | هزینه دادرسی دعاوی مالی در تجدیدنظر و واخواهی  |
| ۵/۵٪ ارزش خواسته   | هزینه دادرسی دعاوی مالی در مرحله فرجام خواهی و اعاده دادرسی و اعتراض ثالث                                |
| ۵۰۰.۰۰۰ اریال  | هزینه دادرسی در صورتی که قیمت خواسته در دعاوی مالی در موقع تقدیم دادخواست مشخص نباشد                     |
| از ۴۰۰.۰۰۰ ریال تا ۱۸۰۰.۰۰۰ ریال (طبق بخشنامه رئیس قوه قضاییه) | هزینه دادرسی در دعاوی غیرمالی، درخواست تأمین دلیل و تأمین خواسته بسته به نوع دعوی                        |
| ۵۰.۰۰۰ ریال  | هزینه درخواست تصویر از اوراق پرونده  |
| ۳۰۰.۰۰۰ ریال   | هزینه اعتراض و درخواست تجدیدنظر از قرارهای قابل تجدیدنظر در دادگاه و دیوان عالی کشور                     |
| ۱۵.۰۰۰ ریال  | هزینه تطبیق اوراق با اصل آن‌ها در دفاتر دادگاه‌ها و دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی                 |
| ۵۰.۰۰۰ ریال  | هزینه صدور گواهی از دفاتر مراجع قضایی  |
| ۱۰۰.۰۰۰ ریال   | هزینه ابلاغ اظهارنامه و واخواست نامه در هر مورد  |
| ۳۰۰.۰۰۰ ریال   | هزینه مطابقت رونوشت و تصویر با اصل در هر مورد  |
| ۳۰۰.۰۰۰ ریال   | هزینه درخواست اجرای ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲   |

### تفاوت بین ارزش گذاری و تقویم با اخذ هزینه دادرسی:

ملاک گرفتن هزینه دادرسی در منقول با غیرمنقول متفاوت است. هزینه دادرسی در مال منقول از ارزش گذاری و تقویم خواهان تبعیت می کند و براساس تقویم خواهان محاسبه می شود ولی در مال غیرمنقول هرچند ارزش گذاری و تقویم خواهان در جای خود محفوظ است ولی هزینه دادرسی از آن تبعیت نمی کند و براساس آن محاسبه نمی شود؛ بلکه هزینه دادرسی در این موارد مطابق ارزش معاملاتی منطقه ای املاک محاسبه می شود که ارزش معاملاتی هم از طریق کمیسیونی در اداره دارایی تعیین می گردد. بنابراین ارزش گذاری و تقویم خواسته در مورد اموال منقول و غیرمنقول توسط خواهان انجام می شود و به وسیله این ارزش گذاری صلاحیت دادگاه و قابل تجدیدنظر و فرجام بودن حکم تعیین می شود. مثلا اگر دعوای خواهان الزام به تحویل منزل مسکونی مقوم به شش میلیون تومان باشد، ارزش خواسته همان است که خواهان در دادخواست تعیین نموده ولیکن هزینه دادرسی براساس شش میلیون تومان اخذ نمی شود بلکه براساس ارزش معاملاتی منطقه ای اخذ می گردد. (آیین دادرسی و اجرای احکام مدنی، غلامرضا موحدیان، انتشارات فکرسازان، چاپ اول ۱۳۹۱ صفحات ۴۷ و ۴۸)

تابع ارزش گذاری و تقویم خواهان است

هزینه دادرسی:

مال منقول

براساس ارزش منطقه ای املاک محاسبه میشود

هزینه دادرسی:

مال غیرمنقول

تابع ارزش گذاری و تقویم خواهان است

سایر موارد:

### معافیت از هزینه دادرسی

در قانون آیین دادرسی مدنی سابق مصوب ۱۳۱۸ به صراحت آمده بود که دولت از پرداخت هزینه دادرسی معاف است اما در قانون فعلی مصوب ۱۳۷۹ این ماده حذف شده است و این عمل قانونگذار موجب برداشت ها و تفسیرهای متفاوتی شده است:

۱- چون در قانون جدید آیین دادرسی مدنی حکم معارضی نسبت به قانون سابق نیامده است، پس قانون سابق پابرجاست و دولت از پرداخت هزینه دادرسی معاف است.

۲- به دو دلیل دولت از پرداخت هزینه دادرسی معاف نیست: چون در قانون فعلی به طور مطلق هزینه طرح دعوا تبیین شده و هیچ شخصی اعم از حقوقی و خصوصی یا دولت مستثنی نشده و قانونگذار در مقام بیان بوده پس هیچ مرجعی معاف از پرداخت هزینه دادرسی نیست. با توجه به ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی که به طور صریح قانون سابق را نسخ نموده است و همچنین سایر قوانین و مقررات در موارد مغایر را ملغی اعلام کرده است لذا مواد قانون قبلی و قوانین مغایر قابلیت استناد ندارد.


در این زمینه به دلیل اختلاف محاکم در صدور آرای متهافت، رای وحدت رویه شماره ۶۵۲ مورخ ۱۳۸۰/۰۱/۲۸ هیات عمومی دیوان عالی کشور صادر و به این اختلافات پایان داد و به موجب آن مقرر شد معافیت دولت از پرداخت هزینه دادرسی مطابق ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی نسخ شده است.

با عنایت به اینکه مطابق قانون آیین دادرسی مدنی به عنوان قانون عام دولت از پرداخت هزینه دادرسی معاف نیست این سوال وجود دارد که تکلیف برخی ارگان‌ها و نهادها که به موجب قوانین خاص از این معافیت برخوردار هستند چیست؟ در این زمینه دو نظر وجود دارد: نظر اول: چون عام موخر نمی‌تواند خاص مقدم را از بین ببرد لذا معافیت این نهادها بعد از تصویب قانون آیین دادرسی مدنی پابرجاست. نظر دوم: به چند دلیل این نهادها از معافیت برخوردار نیستند اولاً اینکه در قانون سابق دولت به مفهوم حاکمیت از پرداخت هزینه دادرسی معاف بود و این ترددی وجود داشت که نهادی مثل بنیاد شهید یا اداره اوقاف هم جزو دولت محسوب می‌شود یا نه و چون محاکم و مراجع قضایی این گونه نهادها را جزء حاکمیت نمی‌دانستند، حکم به پرداخت هزینه دادرسی از سوی این نهادها می‌دادند و لذا این نهادها با تصویب قانون خاص در مجلس خود را معاف می‌نمودند ولی وقتی قانونگذار در قانون جدید دولت را معاف ندانسته، موارد تردید نیز به طریق اولی معافیت ندارند. ثانیاً قانون آیین دادرسی مدنی به طور مطلق بر پرداخت هزینه دادرسی دلالت دارد و معافیت را لغو کرده و در ماده ۵۲۹ نیز قانون سابق را نسخ و سایر قوانین مغایر را ملغی نموده است لذا معافیت‌های مقرر طبق قوانین خاص نیز به دلیل مغایرت با قانون آیین دادرسی مدنی ملغی می‌باشند.

اداره حقوقی در نظریه شماره ۹۴۵۶/۷ مورخ ۱۳۷۹/۰۹/۲۹ به پرداخت هزینه دادرسی توسط همگان تصریح نموده و اعلام می کند چون این قانون عام و کلی است و هیچ مرجعی اعم از دولتی و غیردولتی از پرداخت هزینه معاف نشده و قوانین مغایر به موجب ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی منسوخ است لذا دوایر و نهادهای دولتی و هیچ سازمان دیگری از پرداخت هزینه دادرسی معاف نیستند حتی آن هایی که قبلا قانون خاص داشتند. اما بعد از تصویب قانون جدید آیین دادرسی مدنی برخی نهادها توانسته اند از طریق مجلس و تصویب قانون اخذ معافیت کنند که باید به این موارد توجه داشت. فهرست نهادها و مواردی که از پرداخت هزینه دادرسی معاف هستند عبارتند از موارد ذیل (آیین دادرسی و اجرای احکام مدنی، غلامرضا موحدیان، انتشارات فکرسازان، چاپ اول ۱۳۹۱ صفحات ۵۱-۵۵):

| ردیف | عنوان   | مستند قانونی   |
|------|---|--|
| ۱    | سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، موقوفات عام، بقاع متبرکه، اماکن مذهبی اسلامی، مدارس علوم دینی و مؤسسات و بنیادهای خیریه | تبصره ماده ۹ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳   |
| ۲    | هلال احمر   | قانون اصلاح ماده ۲۰ قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران مصوب ۷۹/۰۲/۲۸   |
| ۳    | دعاوی مربوط به اراضی شهری و توسعه مسکن  | ماده ۱۰ قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مصوب ۸۷/۰۲/۲۵  |
| ۴    | صندوق تامین خسارت های بدنی  | تبصره ۴ ماده ۲۴ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۹۵                                   |
| ۵    | ستاد اجرایی حضرت امام (ره)  | بخشنامه رئیس قوه قضائیه به شماره ۹۱۹۲/۸۳/۱ مورخ ۸۳/۰۶/۱۹   |
| ۶    | دعاوی مربوط به منابع اراضی ملی  | ماده ۹ قانون افزایش بهره وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۹/۰۴/۲۲   |
| ۷    | دادستان در طرح دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم و کلیه مواردی که دادستان تقاضای تجدیدنظر نماید                           | تبصره یک بند (د) ماده ۲ قانون تشکل سازمان بازرسی کل کشور (الحاقی) (۱۳۸۷/۰۴/۱۷)<br>تبصره ۳ ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب |
| ۸    | دعاوی راجع به حفظ بیت المال   | بند ۱۳۲ قانون برنامه و بودجه سال ۱۳۹۰  |
| ۹    | افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و  | تبصره الحاقی به ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۹۵/۰۱/۱۸  |

|  | مددجویان مستمری بگیر سازمان بهزیستی  |    |
|--|--|----|
| ماده ۲۳ قانون شوراها حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴         | <p>دعای موضوع ماده ۸ قانون شورای حل اختلاف</p> <p>(اقدام برای صلح و سازش در خصوص کلیه امور حقوقی، کلیه جرایم قابل گذشت و جنبه خصوصی تمام جرایم غیرقابل گذشت)</p> | ۱۰ |
| ماده ۵۷۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲            | <p>مطالبه ضرر و زیان وارده به نیروهای مسلح ناشی از جرم</p>   | ۱۱ |
| ماده ۱۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی                  | <p>مطالبه خسارت وارده به خواننده ناشی از اجرای قرار تامین</p>  | ۱۲ |
| ماده ۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱             | <p>دعای موضوع صلاحیت دادگاه خانواده در صورت عدم تمکن هر یک از اصحاب دعوا</p>   | ۱۳ |
| تبصره ماده ۴۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ | <p>تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی محکوم علیه نسبت به محکومیت کیفری و ضرر و زیان ناشی از جرم به صورت توأمان</p>   | ۱۴ |
| ماده ۴۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲       | <p>تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی زندانی در امری که به موجب آن زندانی است</p>  | ۱۵ |

نکته  :

هزینه هایی که مشمول بند یک ماده ۵۳ می گردد و دفتر دادگاه مکلف به صدور اخطار رفع نقص در صورت عدم تأدیه آنها است عبارتند از:

- ۱- هزینه دادرسی دعوی با لحاظ نوع خواسته مطابق جدول فوق + هزینه قرارهای مانند تامین دلیل و تامین خواسته
- ۲- بهای برگ دادخواست به تعداد خواندگان به اضافه یک برگ
- ۳- هزینه تصدیق رونوشت اسناد به تعداد سندهای منضم دادخواست
- ۴- تمبر مالیات حق الوکاله + سهم صندوق + هزینه کانون و مرکز (مورد دوم در مورد وکلای کانون وکلای دادگستری است).

نمونه مثال‌های نحوه محاسبه هزینه دادرسی

حال در خصوص هزینه دادرسی و میزان آن که چگونه محاسبه می‌شود به شرح ذیل به چندین مثال کاربردی اشاره می‌شود:

| ردیف | نوع پرونده                           | تعرفه   | بهای خواسته | مرحله          | نتیجه محاسبه    |
|------|--------------------------------------|---|-------------|----------------|-----------------|
| ۱    | مالی                                 | تا مبلغ ۲۰ میلیون تومان معادل دو و نیم درصد و مازاد بر آن معادل سه و نیم درصد بهای خواسته | ۲۵.۰۰۰.۰۰۰  | بدوی           | ۶۷۵.۰۰۰ تومان   |
| ۲    | مالی                                 | هزینه دادرسی دعاوی مالی در مرحله تجدیدنظر معادل چهارونیم درصد محکوم به                    | ۳۲.۰۰۰.۰۰۰  | تجدیدنظر       | ۱.۴۴۰.۰۰۰ تومان |
| ۳    | مالی                                 | تا مبلغ ۲۰ میلیون تومان معادل دو و نیم درصد و مازاد بر آن معادل سه و نیم درصد بهای خواسته | ۷.۰۰۰.۰۰۰   | بدوی<br>(شورا) | ۸۷.۵۰۰ تومان    |
| ۴    | غیرمالی<br>(مربوط به اموال غیرمنقول) | -   | -           | بدوی           | ۱۰۰.۰۰۰ تومان   |
| ۵    | مالی                                 | هزینه دادرسی در مرحله واخواهی معادل چهارونیم درصد محکوم به                                | ۴۵.۰۰۰.۰۰۰  | واخواهی        | ۲.۰۲۵.۰۰۰ تومان |



### نمونه مثال های اخطار رفع نقص جهت پرداخت هزینه دادرسی

به چند مورد از مواردی که اخطار رفع نقص به منظور پرداخت هزینه دادرسی ارسال می گردد اشاره می شود.

نمونه اول:

|  |                   |
|--|-------------------|
| نام خانوادگی : .....   | شماره ملی : ..... |
| نام : .....  |                   |
| نوع ابلاغیه: ابلاغ اخطاریه رفع نقص   |                   |
| مهلت رفع نقص: ۱۰ روز   |                   |
| متن ابلاغیه:   |                   |
| اخطار شونده محترم:   |                   |
| نظر به آنکه دادخواست تقدیمی شما به وکالت از ..... به طرفیت ..... به خواسته: اعتراض به تصمیم مقام اداری در صدور حکم اخراج به جهت ذیل ناقص می باشد لذا مقتضی است ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نقص با مراجعه به یکی از دفاتر خدمات الکترونیک قضایی اقدام نمایید. در غیر این صورت برابر مقررات قانونی قرار رد دادخواست شما صادر خواهد شد.  |                   |
| مورد نقص: کسری هزینه دادرسی به مبلغ ۷۵۰.۰۰۰ ریال   |                   |
| نظر به اینکه هزینه دادرسی دعاوی اعتراض به آرا و تصمیم مراجع غیردادگستری برابر تعرفه مصوب مبلغ ۱.۲۰۰.۰۰۰ ریال می باشد و جمع هزینه دادرسی به انضمام هزینه تمبر اوراق و منضمات دادخواست و همچنین برگ های دادخواست برابر است با ۱.۷۵۰.۰۰۰ ریال که با توجه به محتویات پرونده شما در دو مرحله جمعا مبلغ ۱.۰۰۰.۰۰۰ ریال پرداخت نموده اید فلذا هزینه دادرسی به میزان صدر الذکر کسری دارد لذا مقتضی است ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نقص با مراجعه به یکی از دفاتر خدمات الکترونیک قضایی اقدام نمایید در غیر این صورت برابر مقررات قانونی قرار رد دادخواست شما صادر خواهد شد. |                   |
| نام صادر کننده:  | سمت صادرکننده:    |
|  | امضا:             |

نمونه دوم:

|  |                   |
|--|-------------------|
| نام خانوادگی : .....   | شماره ملی : ..... |
| نام : .....  |                   |
| نوع ابلاغیه: ابلاغ اخطاریه رفع نقص   |                   |
| مهلت رفع نقص: ۱۰ روز   |                   |
| متن ابلاغیه:   |                   |
| اخطار شونده محترم:   |                   |
| نظر به آنکه دادخواست تقدیمی شما به طرفیت ..... به خواسته: مطالبه وجه بابت فروش گوسفند، مطالبه خسارت دادرسی و مطالبه خسارت تاخیر تادیه به جهت ذیل ناقص می باشد لذا مقتضی است ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نقص با مراجعه به یکی از دفاتر خدمات الکترونیک قضایی اقدام نمایید. در غیر این صورت برابر مقررات قانونی قرار رد دادخواست شما صادر خواهد شد.   |                   |
| مورد نقص: هزینه دادرسی به مبلغ ۴۳.۱۵۰.۰۰۰ ریال پرداخت نشده است.  |                   |
| نظر به اینکه خواسته اعسار از پرداخت هزینه دادرسی به موجب دادنامه ..... مورخ ..... منجر به رد دعوی گردیده و حسب دادنامه ..... مورخ ..... صادره از شعبه ..... تجدینظر استان ..... تایید گردیده و قطعیت حاصل نموده فلذا هزینه دادرسی به میزان صدر الذکر پرداخت نشده لذا مقتضی است ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نقص با مراجعه به یکی از دفاتر خدمات الکترونیک قضایی اقدام نمایید در غیر این صورت برابر مقررات قانونی قرار رد دادخواست شما صادر خواهد شد. |                   |
| نام صادر کننده:  | سمت صادرکننده:    |
|  | امضا:             |

نمونه سوم:

|   |                   |
|---|-------------------|
| نام خانوادگی : .....  | شماره ملی : ..... |
| نام : .....   |                   |
| نوع ابلاغیه: ابلاغ اخطاریه رفع نقص  |                   |
| مهلت رفع نقص: ۱۰ روز  |                   |
| متن ابلاغیه:  |                   |
| اخطار شونده محترم:  |                   |
| <p>نظر به آنکه دادخواست تقدیمی شما به وکالت از ..... به طرفیت ..... به خواسته: مطالبه وجه، مطالبه خسارت دادرسی و مطالبه خسارت تاخیر تادیه به جهت ذیل ناقص می باشد لذا مقتضی است ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نقص با مراجعه به یکی از دفاتر خدمات الکترونیک قضایی اقدام نمایید. در غیر این صورت برابر مقررات قانونی قرار رد دادخواست شما صادر خواهد شد.</p>  |                   |
| <b>مورد نقص: کسری هزینه دادرسی به مبلغ ۵۲.۷۴۷.۵۷۳ ریال</b>  |                   |
| <p>نظر به اینکه خواسته های شما: ۱- مطالبه وجه به میزان ۲۰۲.۷۹۹.۲۸۵ ریال ۲- خسارات تاخیر در امر تادیه از تاریخ ..... لغایت زمان اجرای حکم می باشد، که شما خواسته خسارت تاخیر در امر تادیه را منوط به جلب نظر کارشناس نموده و صرفاً مبلغ ۱.۵۰۰.۰۰۰ ریال پرداخت نموده اید با التفات به موارد مذکور و با توجه به اینکه حسب بند ۱ ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی که بیان می دارد: «۱- اگر خواسته پول رایج ایران باشد، بهای آن عبارتست از مبلغ مورد مطالبه و اگر پول خارجی باشد ارزیابی آن به نرخ رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ تقدیم دادخواست بهای خواسته محسوب می شود.» در نتیجه خواسته مطالبه خسارت تاخیر تادیه از تاریخ مورد درخواست تا زمان تقدیم دادخواست برابر است با مبلغ ۱.۶۰۷.۰۷۳.۵۲۰ ریال، حال با توجه به هزینه دادرسی پرداخت شده، مبلغ ۵۲.۷۴۷.۵۷۳ ریال کسری دارد لذا مقتضی است ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نقص با مراجعه به یکی از دفاتر خدمات الکترونیک قضایی اقدام نمایید در غیر این صورت برابر مقررات قانونی قرار رد دادخواست شما صادر خواهد شد.</p> |                   |
| نام صادر کننده:   | سمت صادرکننده:    |
| امضا:   |                   |

جدول محاسبه میزان حق الوکاله و تمبر مالیاتی وکیل

| میزان خواسته  | حق الوکاله<br>مرحله بدوی | حق الوکاله<br>مرحله<br>تجدیدنظر | تمبر مالیاتی<br>مرحله بدوی | تمبر مالیاتی<br>مرحله<br>تجدیدنظر |
|---|--------------------------|---------------------------------|----------------------------|-----------------------------------|
| درصد  | ۶۰ درصد                  | ۴۰ درصد                         | ۵ درصد                     | ۵ درصد                            |
| تا مبلغ<br>۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال<br>۸ درصد بهای<br>خواسته          | ۲۴/۰۰۰/۰۰۰               | ۱۶/۰۰۰/۰۰۰                      | ۱/۲۰۰/۰۰۰                  | ۸۰۰/۰۰۰                           |
| مازاد تا مبلغ<br>۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال<br>۷ درصد بهای<br>خواسته  | ۶۳/۰۰۰/۰۰۰               | ۴۲/۰۰۰/۰۰۰                      | ۳/۱۵۰/۰۰۰                  | ۲/۱۰۰/۰۰۰                         |
| مازاد تا مبلغ<br>۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال<br>۵ درصد بهای<br>خواسته | ۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰              | ۱۶۰/۰۰۰/۰۰۰                     | ۱۲/۰۰۰/۰۰۰                 | ۸/۰۰۰/۰۰۰                         |
| مازاد تا مبلغ<br>۳۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال<br>۴ درصد بهای<br>خواسته | ۴۸۰/۰۰۰/۰۰۰              | ۳۲۰/۰۰۰/۰۰۰                     | ۲۴/۰۰۰/۰۰۰                 | ۱۶/۰۰۰/۰۰۰                        |
| مازاد بر سی میلیارد ریال به بالا ۳ درصد بهای خواسته           |                          |                                 |                            |                                   |

حق الوکاله مطلق دعاوی خانوادگی، دعاوی ناشی از زوجیت و امور حسبی حداقل ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و حداکثر ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد. (بند الف ماده ۱۳)

حق الوکاله دعاوی که خواسته آنها مالی نیست یا تعیین بهای خواسته لازم نیست و یا در موقع تقدیم دادخواست بهای خواسته مشخص نمی باشد حداقل ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال حداکثر ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال. (تبصره ماده ۹ و بند ب ماده ۱۳)

نمونه مثال های کاربردی طریقه محاسبه تمبر مالیاتی وکیل:

| نمونه | نوع پرونده | میزان خواسته        | میزان تعرفه  | طریق وکالت | وضعیت وکیل                      | نتیجه محاسبه  |
|-------|------------|---------------------|--|------------|---------------------------------|---|
| اول   | مالی       | ۳۷,۰۰۰,۰۰۰<br>تومان | الف) تا مبلغ ۵۰ میلیون تومان: هشت درصد بهای خواسته؛                                  | معمول      | مرکز<br>وکلائی<br>قوه<br>قضائیه | تمبر مالیاتی بدوی:<br>حق تمبر: ۸۸,۸۰۰<br>سهم مرکز: ۸۸,۸۰۰     |
|       |            |                     | ب) نسبت به مازاد بر مبلغ ۵۰ میلیون تومان تا ۲۰۰ میلیون تومان: هفت درصد بهای خواسته؛  |            |                                 | جمع کل پرداختی:<br>۱۷۷,۶۰۰                                    |
|       |            |                     | پ) نسبت به مازاد بر مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان تا یک میلیارد تومان: پنج درصد بهای خواسته؛ |            |                                 | تمبر مالیاتی تجدیدنظر:<br>حق تمبر: ۵۹,۲۰۰<br>سهم مرکز: ۵۹,۲۰۰ |
|       |            |                     | ت) نسبت به مازاد بر مبلغ یک میلیارد تومان تا ۳ میلیارد تومان: چهار درصد بهای خواسته؛ |            |                                 | تمبر مالیاتی کل:<br>حق تمبر: ۱۴۸,۰۰۰<br>سهم مرکز: ۱۴۸,۰۰۰     |
|       |            |                     | ث) از مبلغ ۳ میلیارد تومان به بالا: سه درصد بهای خواسته؛                             |            |                                 | جمع کل پرداختی:<br>۲۹۶,۰۰۰                                    |

| نمونه | نوع پرونده | میزان خواسته        | میزان تعرفه  | طریق وکالت | وضعیت وکیل                 | نتیجه محاسبه  |
|-------|------------|---------------------|--|------------|----------------------------|---|
| دوم   | مالی       | ۲۳,۰۰۰,۰۰۰<br>تومان | الف) تا مبلغ ۵۰ میلیون تومان: هشت درصد بهای خواسته؛                                  | معمول      | کانون<br>وکالی<br>دادگستری | تمبر مالیاتی بدوی:<br>حق تمبر: ۵۵,۲۰۰<br>سهم صندوق: ۲۷,۶۰۰<br>سهم کانون: ۱۳,۸۰۰<br>جمع کل پرداختی:<br>۹۶,۶۰۰    |
|       |            |                     | ب) نسبت به مازاد بر مبلغ ۵۰ میلیون تومان تا ۲۰۰ میلیون تومان: هفت درصد بهای خواسته؛  |            |                            | تمبر مالیاتی تجدیدنظر:<br>حق تمبر: ۳۶,۸۰۰<br>سهم صندوق: ۱۸,۴۰۰<br>سهم کانون: ۹,۲۰۰<br>جمع کل پرداختی:<br>۶۴,۴۰۰ |
|       |            |                     | پ) نسبت به مازاد بر مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان تا یک میلیارد تومان: پنج درصد بهای خواسته؛ |            |                            | تمبر مالیاتی کل:<br>حق تمبر: ۹۲,۰۰۰<br>سهم صندوق: ۴۶,۰۰۰<br>سهم کانون: ۲۳,۰۰۰<br>جمع کل پرداختی:<br>۱۶۱,۰۰۰     |
| نمونه | نوع پرونده | میزان خواسته        | میزان تعرفه  | طریق وکالت | وضعیت وکیل                 | نتیجه محاسبه  |
|       |            |                     | ت) نسبت به مازاد بر مبلغ یک میلیارد تومان تا ۳ میلیارد تومان: چهار درصد بهای خواسته؛ |            |                            |   |
|       |            |                     | ث) از مبلغ ۳ میلیارد تومان به بالا: سه درصد بهای خواسته؛                             |            |                            |   |

|   |                                     |              |   |                             |             |            |  |  |
|---|-------------------------------------|--------------|---|-----------------------------|-------------|------------|--|--|
| <p>تمبر مالیاتی بدوی:<br/>حق تمبر: ۱۵۱,۵۰۰<br/>سهم صندوق: ۷۵,۷۵۰<br/>سهم کانون: ۳۷,۸۷۵<br/>جمع کل پرداختی:<br/>۲۶۵,۱۲۵</p>      | <p>کانون<br/>وکالی<br/>دادگستری</p> | <p>معمول</p> | <p>الف) تا مبلغ ۵۰ میلیون<br/>تومان: هشت درصد<br/>بهای خواسته؛</p> <p>ب) نسبت به مازاد بر<br/>مبلغ ۵۰ میلیون تومان تا<br/>۲۰۰ میلیون تومان:<br/>هفت درصد بهای<br/>خواسته؛</p> <p>پ) نسبت به مازاد بر<br/>مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان<br/>تا یک میلیارد تومان:<br/>پنج درصد بهای<br/>خواسته؛</p> <p>ت) نسبت به مازاد بر<br/>مبلغ یک میلیارد تومان<br/>تا ۳ میلیارد تومان: چهار<br/>درصد بهای خواسته؛</p> <p>ث) از مبلغ ۳ میلیارد<br/>تومان به بالا: سه درصد<br/>بهای خواسته؛</p> | <p>۶۵,۰۰۰,۰۰۰<br/>تومان</p> | <p>مالی</p> | <p>سوم</p> |  |  |
| <p>تمبر مالیاتی تجدیدنظر:<br/>حق تمبر: ۱۰۱,۰۰۰<br/>سهم صندوق: ۵۰,۵۰۰<br/>سهم کانون: ۲۵,۲۵۰<br/>جمع کل پرداختی:<br/>۱۷۶,۷۵۰</p>  |                                     |              |   |                             |             |            |  |  |
| <p>تمبر مالیاتی کل:<br/>حق تمبر: ۲۵۲,۵۰۰<br/>سهم صندوق: ۱۲۶,۲۵۰<br/>سهم کانون: ۶۳,۱۲۵<br/>جمع کل پرداختی:<br/>۴۴۱,۸۷۵ تومان</p> |                                     |              |   |                             |             |            |  |  |